نگاهی به دوران
گذار از بانکداری ربوی در ایران

ابزار نوین در بانکداری اسلامی

حسین گودرزی

قدمت بانکداری اسلامی به حدود ۵۰ سال پیش باز می گردد.

حدود ۴ سال پس از وقوع انقلاب اسلامی بانکداری اسلامی به طور عملی در ایران آغاز شد و قانون بانکداری بدون ربا با بانکداری اسلامی در ایران تصویب و اجرا شد، در آن موقع ایران در بحث بانکداری اسلامی پیشتاز بود و این پیشتازی نه تنها در میان همه کشورهای اسلامی بلکه در نظام بانکداری بین المللی نیز بی سابقه بود. اگرچه بعدها کشورهای اسلامی وحتی برخی کشورهای غیراسلامی هم به بانکداری اسلامی روی آوردند ولی تا به امروز تنها کشورهای ایران وسودان هستند که کل نظام بانکی خود را به عملیات بانکداری اسلامی تبدیل کرده اند.

سیدحمید پورمحمدی معاون امور بانکی شرکت های دولتی وزارت امور اقتصادی و دارایی معتقد است: کشورهای اسلامی بعد از ایران به سمت بانکداری اسلامی روی آوردند، نه تنها کشورهای اسلامی بلکه بانک های بزرگ دنیا با توجه به گستره وسیع بازار پولی اسلامی بخش های خاصی را برای بانکداری اسلامی تعریف کردند. البته باید اشاره کرد که مبنایی ترین بحث در بانکداری اسلامی حذف ربا است که در واقع ایران با پذیرش نظام بانکداری بدون ربا بهره را در عملیات بانکی حذف و سعی کرد در چارچوب قراردادها و عقود شرعی رابطه میان سپرده گذار و بانک، و بانک و مشتری را تعریف و تبیین کند.

به طور کلی می توان گفت: بانکداری اسلامی مجموعه فعالیت هایی است که افزون بر عملیات بانکی رابطه میان سپرده گذار و بانک به نوعی تنظیم شود که خالی از ربا باشد و شائبه ربا در آن نباشد. در عملیاتی که در بانکداری های دنیا به شکل عمومی اتفاق می افتد دو رابطه تعریف می شود، یکی رابطه سپرده گذار و دیگری رابطه ای که بانک در مصرف منابع برای تأمین مالی طرح هایی که مشتریان متقاضی آن هستند به آنها اختصاص می دهد. در این دو نوع نقل و انتقال پول اتفاق های بسیاری روی می دهد. حساسیتی که در بانکداری اسلامی وجود دارد این است که در هیچ یک از دو طرف معامله، نوع قرارداد و نوع نقل و انتقال پول و منابع به شکلی نباشد که ربا در آن ایجاد شود. به این ترتیب در بانکداری اسلامی ربا حذف شده و سود ناشی از فعالیت ها جای آن را می گیرد. تفاوت ربا و سود ناشی از معاملات، همان نکته ای است که در قرآن کریم نیز به آن اشاره شده است.

یعنی، بیع و منافع آن را حلال و ربا با هر شکل را حرام می داند. به این ترتیب با حذف ربا باید به دنبال ابزار جدیدی در بانکداری اسلامی بود. نکته مهم در ابزارهای جدید، این است که ابزارها چگونه با احکام غیر ربوی و احکام بیع منطبق و حلال باشد. اگر چنین عقودی را بتوانیم طراحی و نیازها را برطرف کنیم که ربایی در آن نباشد می شود گفت که در این عملیات بانکی ربا نیست، بنابراین به بانکداری اسلامی رسیده ایم.

برای پی بردن به آنچه که هم اکنون در بانکداری کشور رایج است باید گفت: بانک ها براساس قانون مکلفند، در آغاز هر سال میزان حق الوکاله خود را به اطلاع همه مشتریان و سپرده گذاران برسانند و در سال ۸۶ بیشتر بانک ها میزان حق الوکاله خود را ۱/۲ درصد اعلام کردند اما در کنار نرخ حق الوکاله بانک ها از قبل باید نرخ سود علی الحسابی را اعلام کنند که ممکن است ارقام آن در کوتاه، میان و بلندمدت تغییر کند و این دو رقم یعنی نرخ حق الوکاله و نرخ سود علی الحساب از قبل مشخص است البته رقمی که به عنوان نرخ سود علی الحساب اعلام می شود تا پایان سال باقی می ماند و وقتی که سال مالی تمام شد و صورت های مالی به تصویب رسید آن وقت مشخص می شود که بانک چه میزان سود کسب کرده است و اگر مازادی وجود داشت، بانک آن را دوباره در میان سپرده گذاران توزیع می کند.

اگر غیر از این باشد، عملیات از چارچوب و قواعد شرعی خارج است. برای اعطای تسهیلات بانکی حدود ۱۲ نوع عقد در بانک های ایران وجود دارد که احکام هر کدام از این عقود با یکدیگر تفاوت دارد و اگر تقسیم بندی کلی از این عقود انجام گیرد، می توانیم دو نوع عقد تعریف کنیم، یکی عقود مبادله ای و دیگری عقود مشارکتی. در عقود مبادله ای شخصی برای کارمعینی تسهیلات می گیرد، براساس قانون عملیات بانکی بدون ربا، از آن رو که بانک وکیل سپرده گذاران است اجازه ندارد پول را درجایی ببرد که اصل پول یا حتی سود سپرده گذاران دچار مخاطره شود. بنابراین بانک همواره تلاش می کند که شرایطی را برای خود در نظر بگیرد و اگر غیر از این باشد و بانک ها هر کسی که بخواهند این پول را بدهند، طبیعی است که سپرده گذاران اعتماد به نظام بانکی را از دست می دهند.

مدیرعامل بانک توسعه صادرات ایران درمورد نقد عملیات بانکداری اسلامی می گوید: نخست این که، تعداد عقود زیاد است و ۱۲ عقد بسیار پیچیده داریم، حتی بیان نام آن عقد هم سخت است چه برسد به آن که انسان بتواند به تمام ظرایف و دقایق آن اشراف پیدا کند. به گفته طهماسب مظاهری تعدادی از این عقود در زمان متروکه شده اند، مانند عقدهای مضاربه و مساقات که دیگر در نظام بانکی ما وجود ندارد ولی هنوز حسابداری مضاربه و مساقات وجود دارد، و تمامی عقود متنوع در همه بانک ها اجرا می شود، یعنی ۱۲ عقد در ۱۶ بانک دولتی اجرا می شود و هر کدام از این عقود حسابداری و آموزش خاص خود را می خواهد و همین مسائل هم موجب شده که خیلی از مردم نگران صوری بودن معاملات باشند.

به عقیده مدیرعامل بانک توسعه صادرات نقد دیگر نظام فعلی بانکداری این است که روز به روز نیازها و سلایق متنوع می شود و نظام بانکی انعطاف این مسأله را ندارد که به سلایق خطرپذیر و خطرگریز جواب دهد. این نقدها باعث شد نظام بانکداری به سمت ابزارهای جدید برود. ابزارهای جدید نظام بانکداری از جمله هجینگ ، صکوک و استصناع است که در پی به اختصار به بررسی مفهوم و کاربرد این ابزار می پردازیم.

هجینگ

انجام معاملات پوشش خطر نوسانات قیمت را هجینگ می گویند. هجینگ (Hedging) به معنای بیمه قیمت درمقابل خطرات احتمالی ناشی از نوسانات قیمت در بازار است که استفاده از این امر می تواند در تسهیل فرایند کاری بانکها، بیمه ها، بورس ، صادرکنندگان و ... مؤثر باشد.

همچنین هجینگ به روش هایی برای به کمترین حد رساندن خطر ناشی از تغییر قیمت ها اطلاق می شود. در استفاده از ابزارهایی که برای نظام مهندسی مالی استفاده می شود هدف اصلی ایجاد و خلق ابزارها یا روش های جدید به منظور پوشش خطر زیان است که این مفهوم کلی هجینگ را می رساند.

براساس نظرات کارشناسان و فقهای اسلامی در این زمینه دو راه وجود دارد که یکی مهندسی معکوس است که در این روش اصول هجینگ و اصول بانکداری اسلامی بایکدیگر تطبیق داده می شود و راه حل دوم نیز آن است که اصول این کار در کشورهای اسلامی ازجمله ایران خلق شود تا برای پوشش خطر در معاملات اسلامی داخلی و بین کشوری مورد استفاده قرار گیرد.

دکتر مظاهری دراین زمینه معتقد است : هجینگ نوعی ابزار و استراتژی برای پوشش خطرهای مختلف سرمایه گذاری است و به عبارت دیگر تغییراتی که اهداف یا استراتژی سرمایه گذاری را تغییر دهد ریسک یا خطر محسوب می شود و هر سرمایه گذار باید این خطر را پوشش دهد و از ابزارهای مختلفی برای پوشش این خطر استفاده می شود که یکی از آن ها روش Hedg است که در یک نمونه ساده همان بیمه محسوب می شود. وی می گوید: ممکن است تغییرات و اتفاقاتی که در ارتباط با یک سرمایه گذار رخ می دهد، طرح را زیر سؤال ببرد که در این صورت این پوشش می تواند کارآمد باشد.

استصناع:

استصناع قرارداد سفارش ساخت بین دو شخص، اعم از حقیقی و حقوقی مبنی بر تولید کالایی با اوصاف خاص یا اجرای طرحی با ویژگی مشخص درآینده است. سفارش گیرنده با پیمانکار در ازای گرفتن مبلغ آن در زمان توافق شده که بخشی از آن می تواند به صورت نقد و بخشی از آن به صورت اقساط به تناسب پیشرفت فیزیکی کار یا مستقل از آن باشد، متعهد می شود، مواد اولیه کالاهای مورد نیاز طرح خود را تهیه کرده و در زمان مشخص کالا یا طرح مورد نظر را به سفارش دهنده تحویل دهد.

حجت الاسلام والمسلمین محمد تقی نظرپور، عضو هیأت علمی دانشگاه مفید قم، بر این باور است که با توجه به معنی و مفهوم عقد که تعهد متقابلی بین دو طرف معامله شکل می گیرد به گونه ای که نسبت به هم عهده دار پیمان متقابلی می شوند، در می یابیم استصناع عقد است. بر این اساس می توان برای مشروعیت این عقد به آیه شریفه «یا ایها الذین آمنوا اوفوا بالعقود» استناد کرد و عقد استصناع یک عقد مستقل است که دلایل مشروعی را برای صحت آن می توان ارائه داد.

وی می گوید: با استفاده از اوراق استصناع دولت، نهادها و سازمان های دولتی می توانند منابع لازم را برای اجرای طرح های جزء به طور مستقیم وارد مذاکره شوند، می توانند با بانک قرارداد استصناع ببندند و بانک در جایگاه واسطه با پیمانکاران طرف قرار داد شود و در صورتی که پیمانکاران در مدت اجرای طرح به هر دلیل به پول نقد نیاز داشته باشند می توانند همه یا بخشی از این اوراق را در بازار ثانویه به فروش برسانند یا به بانک های عامل داده، با نرخ تنزیلی توافقی به وجوه نقد دست یابند.

تفاوت اوراق قرضه و استصناع با بخش حقیقی اقتصاد پیوند دارد به این معنا که انتشار بیشتر به معنای تولید بیشتر است اما انتشار اوراق قرضه ملاک نیاز دولت به کسب درآمد است؛ حال درآمد حاصل از فروش این اوراق می تواند صرف طرح های عمرانی یا هزینه های جاری شود ووجود اوراق استصناع و دریافت مبالغ در سررسید بدون آثار منفی تورمی است یا آثار منفی بسیار اندکی بر اقتصاد خواهد داشت و این در حالی است که اگر دولت بخواهد طرح سرمایه گذاری عمرانی و زیربنایی را به صورت نقدی و در طول زمان تأمین مالی کند، از آنجا که تولید این طرح ها پس از چندین سال انتظار وارد عرصه اقتصادی می شود، مخارج دولت در این زمینه به افزایش تقاضای کل منجر می شود که این خود به افزایش قیمت ها می انجامد، اوراق قرضه کارکردی براساس نرخ بهره دارد ولی اوراق استصناع از نظر فقهی سند بدهی انتشاردهنده به دارندگان آن است و نرخ بهره ای بر روی آن درج نمی شود.

عضو هیأت علمی گروه اقتصاد دانشگاه مفید معتقد است: انتشار اوراق استصناع در کنار اوراق مشارکت و به عنوان مکملی برای آن و به منظور ایجاد تنوع در ابزارهای مالی، می تواند شرایط سرمایه گذاری و تأمین مالی کوتاه وبلندمدت طرح های عمرانی بخش دولتی وبخش خصوصی را تسهیل کرده، شرایط جذب نقدینگی طیف های خطرگریز مردم را فراهم سازد و ادونخته های مورد نیاز منابع مالی مؤسسه های اقتصادی را گسترده تر و عمیق تر نماید. تأمین مالی کسری بودجه دولت از راه انتشار اوراق استصناع مناسب تر از تأمین این کسری از راه استقراض از بانک دولتی با افزایش قیمت نفت است.

صکوک:

«صکوک» می تواند به عنوان گزینه مکمل اوراق قرضه (اوراق مشارکت) عمل کند و صکوک ابزاری برای جمع آوری نقدینگی و سرمایه گذاری ضرورت های فعلی نظام پولی و مالی کشور را وادار کرد که ضمن اندیشیدن به نهادها و ابزارهای جدید، اقدام های خود را سرعت و شتاب بیشتری بخشد و از این رو بررسی ابزارهای جدید مانند هجینگ، صکوک و نهادهای پولی و مالی جدید موضوعیت یافت تا با اتکا به این ابزارها، اهداف چشم انداز و سیاست های ابلاغی اصل ۴۴ قانون اساسی محقق شود.

اصطلاح «صکوک» در اصل برگرفته از واژه عربی صکوک به معنای چک، نوشته بدهکار، سفته و قبض بدهی است و به طور معمول، به عنوان «اوراق قرضه اسلامی» تعریف می شود. تمایزی که میان این دو تعریف از صکوک وجوددارد، اساسی و مهم است. زیرا با تأکید بر این تفاوت، هدف از بکارگیری صکوک به عنوان ابزاری جدید در بانکداری اسلامی، فرضاً تقلید از اوراق قرضه مبتنی بر بهره در بانکداری معمول نیست، بلکه ایجاد ابزاری ابتکاری است که منطبق بر قوانین شریعت اسلام باشد.

در نتیجه صکوک به عنوان اوراق بهادار با پشتوانه مالی تعریف می شود که باید فی نفسه دارای ارزش باشد و نمی تواند براساس فعالیت های سفته بازی و سوداگرانه و درواقع فعالیت هایی که بدون خلق ارزش و کار صورت می گیرند، سودآوری داشته باشد. رشد و توسعه بازار صکوک در چندسال گذشته بیشتر به دلیل نقش آن در مهار نقدینگی مطرح شده است. زیرا مدیریت نقدینگی به عنوان یکی از ارکان اساسی در راستای گسترش بانکداری و توسعه بازارهای مالی اسلامی درنظر گرفته می شود.

انواع گوناگون صکوک

سازمان حسابداری و حسابرسی مؤسسه های مالی اسلامی (AAOIFI) استانداردهایی را برای ۱۴ نوع مختلف از صکوک منتشر کرده است:

۱- گواهی مالکیت بر دارایی های اجاره ای (صکوک اجاره)

هدف ازانتشار این اوراق (صکوک اجاره) فروش دارایی اجاره ای و سپس گرفتن ارزش آن با پذیره نویسی و انتقال‌به افراد دیگر است. در این شرایط، دارندگان صکوک اجاره به عنوان مالکان آن دارایی محسوب می شوند.

۲- گواهی مالکیت در حق استفاده

این نوع گواهی دارای انواع مختلفی است که عبارتند از:

۲-۱- گواهی مالکیت بر حق استفاده دارایی های موجود

۲-۲- گواهی مالکیت بر حق استفاده از دارایی هایی که قرار است در آینده براساس سفارش ساخت، تولید شوند.

۲-۳- گواهی مالکیت بر حق استفاده از خدماتی که از سوی یک عرضه کننده خاص ارائه می شود؛ به منظور ارائه و فروش برخی خدمات از سوی یک تولیدکننده مشخص - مانند استفاده از برنامه های آموزشی ارائه شده به وسیله یک دانشگاه - تهیه می شوند.

به این ترتیب، ارزش خدمات ارائه شده از طریق درآمد حاصل از پذیره نویسی در اوراق گواهی (صکوک) حاصل می شود و صاحبان این اوراق دارای حق استفاده از خدمات ارائه شده خواهندبود.

۲-۴- گواهی مالکیت بر حق استفاده از خدماتی که در آینده، براساس سفارش های کنونی ارائه خواهندشد.

۳- گواهی سلف (صکوک سلف یا سلم)

افرادی که دارای این نوع از صکوک باشند به عنوان مالک تولیداتی که قرار است در آینده تحویل داده شوند، محسوب می شوند.

۴- گواهی استصناع (صکوک استصناع)

۵- گواهی مرابحه

۶- گواهی مشارکتی

با هدف بکارگیری وجوه مالی جمع آوری شده از راه خرید صکوک مشارکتی، در به راه انداختن و تأسیس یک طرح جدید و یا توسعه و گسترش یک طرح درحال اقدام و یادرتأمین مالی یک فعالیت تجاری براساس یکی از قراردادهای مشارکتی، مورداستفاده قرارمی گیرد. گواهی مشارکتی می تواند براساس قراردادهای: مشارکتی، مضاربه و یا به وسیله بنگاه های سرمایه گذاری تنظیم شود.

۷- گواهی مزارعه

۸- گواهی مساقات

۹- گواهی مغارسه

۱۰- گواهی امتیاز بهره برداری

تفاوت صکوک و اوراق قرضه

صکوک دارای بازده ثابت به اضافه سهمی از سود یا زیان ناشی از سرمایه گذاری است که درصد سود و زیان می تواند ثابت یا شناور باشد.

به این ترتیب، بازده صکوک مقدار ثابتی نیست و برحسب ارزش واقعی محاسبه می شود.

این ابزار مالی اسلامی همچون اوراق مشارکت - که یکی از ابزارهای اعمال سیاست پولی و مالی دولت ایران است - برحجم نقدینگی مؤثر است.

اوراق قرضه تنها متعهد می شوند اصل و فرع این اوراق را در زمان سررسید به دارندگان آن پرداخت کنند و در مقابل قرض دهندگان نیز هیچ دخالتی درچگونگی فعالیت قرض گیرندگان نداشته و در شرایط رکود و رونق با اطمینان کامل بازدهی حاصل از نرخ بهره را دریافت می دارند.

نظر به ممنوعیت ربا (بهره) در اسلام و الغای کارکرد آن در نظام اقتصاد اسلامی و به تبع آن حرمت به کارگیری ابزارهای مبتنی بر بهره، ضروری است نظام اسلامی برای تأمین بخشی از منابع مالی موردنیاز دولت وبخش خصوصی در عرصه های مختلف اقتصادی از ابزارهای غیر از اوراق قرضه استفاده کند.

> به عقیده مدیر عامل بانک توسعه صادرات
> نقد دیگر نظام فعلی بانکداری این است که
> روز به روز نیازها و سلایق متنوع می شود و
> نظام بانکی انعطاف این مسأله را ندارد که به
> سلایق خطرپذیر و خطرگریز جواب دهد

مصوب که به طور کامل توجیه اقتصادی و ملی دارند، تدارک دیده، به صورت مناسب کسری بودجه را در این زمینه تأمین کنند.

استاد اقتصاد دانشگاه مفید، امکان اعمال سیاست های مالی انبساطی یا انقباضی را در موقعیت های رکودی یا رونق اقتصادی یکی از کارکردهای عقد استصناع دانست واظهار داشت: برای اعمال سیاست انبساطی دولت می تواند به انعقاد این قراردادها با سررسیدهای کوتاه مدت بپردازد و برای اعمال سیاست انقباضی می تواند از اجرای طرح های مصوب صرف نظر کند.

دولت می تواند از جهت اعمال سیاست پولی به شرکت ها و مؤسسه های غیردولتی اجازه دهد در صورت دارا بودن ضمانت ها و مجوزهای لازم از این اوراق برای تأمین مالی طرح ها و پروژه های مورد نظر خود، استفاده کنند.

آنچه تاکنون مطرح شد، قرارداد استصناع مستقیم بود اما زمانی که طرح، کوچک باشد و وزارتخانه ها و مؤسسه ها نتوانند با پیمانکار می توانست موفق باشد؟ یک بحث عمومی این است که این تولیدکنندگان ممکن بود از چرخه تجارت همگام با نوسانات قیمت ها خارج شوند و یا این که بدون حمایت دولت ها نتوانند رقابت کنند.

اما شواهد و تجارب نیوزیلند و استرالیا حاکی از این است که این کشورها با کاهش حمایتها از تولیدکنندگان محصولات لبنی و دیگر صنایع وابسته به کشاورزی موفق شده اند و این نشان می دهد که تحلیل لزوم حمایت ازسوی کشورهای اروپایی و آمریکا توجیه پذیر نیست.

■ **نیوزیلند**

نیوزیلند ۸۵ درصد از کره و پنیر تولیدی خود را صادر می کند. نیوزیلند یک برنامه وسیع خصوصی سازی (کاهش دخالت دولت) در بخش کشاورزی را در سال ۱۹۸۴ آغاز کرد. این برنامه شامل حذف یارانه و مشوق های صادرات بود. براساس گزارش های OECD، نیوزیلند با جمعیتی در حدود ۴ میلیون نفر در حال حاضر کمتر از ۵ درصد دریافتی های بخش کشاورزی را برای حمایت از بخش کشاورزی هزینه می کند. در سال ۲۰۰۳ تنها ۱۸ میلیون دلار برای حمایت از تولیدکنندگان محصولات لبنی هزینه کرده است.

اما به نظر می رسد تولیدکنندگان بخش کشاورزی پیشرفت چشمگیری داشته اند. در سال ۲۰۰۴ یعنی حدود ۲۰ سال بعد از خصوصی سازی (کاهش دخالت دولت در بخش کشاورزی) رئیس اتحادیه زارعان نیوزیلند اشاره کرد که: «کاهش برنامه های حمایتی، به تولیدکنندگان کمک کرد که برروی تقاضای مصرف کنندگان و افزایش کارایی متمرکز شوند. این عمل منجر به رشد سالانه بهره وری به میزان ۴ درصد در بخش کشاورزی و ایجاد ۴۵۰ هزار شغل شد.

ترس از تغییرات اغلب منجر به این شده که تغییرات را انجام ندهید. اما وقتی در شرایط رقابتی براساس مزیت نسبی خود اقدام به تولید می کنید، شما خیلی سریع می توانید سیستم تولیدی خود را براساس نیازهای مصرف کنندگان تطبیق داده و براین اساس هزینه ها را کاهش و تعدیل کنید.» درحقیقت بعد از جریان آزادسازی حدود ۸۰۰ مزرعه (۱ درصد) از چرخه تولید حذف شدند.

براساس گزارش های وزارت کشاورزی نیوزیلند ارزش صادرات محصولات لبنی این کشور از ۹۶۲ میلیون دلار در سال ۱۹۸۴ به ۳/۹ میلیاردلار در سال ۲۰۰۴ افزایش یافته است.

■ **استرالیا**

در استرالیا با جمعیتی بالغ بر ۲۰ میلیون نفر، محصولات لبنی سومین صنعت روستایی ازنظر اهمیت است و ۵ و ۶ درصد از کل صادرات صنعتی را تشکیل می دهد. صنعت تولید فرآورده های لبنی در استرالیا در سال ۲۰۰۰ غیردولتی اعلام شد و در همان حال کمک هایی برای تطبیق تولیدکنندگان با شرایط جدید صورت گرفت.

در سال ۲۰۰۳ سازمان OECD اعلام کرد استرالیا تنها ۳۳۷ میلیون دلار بابت حمایت از تولیدکنندگان محصولات لبنی هزینه کرده است، که این کمتر از سطوح حمایت در دو کشور مجارستان و جمهوری چک بوده است.

با شروع اصلاحات فوق، صنعت لبنیات تعدیلات زیادی را انجام داد و به منظور این که سودآور باقی بماند تعداد مزارع را کاهش و حجم گله را افزایش داد به زارعان روشهای کاراتر به منظور رقابتی شدن بیشتر را آموزش داد.

به عبارت بهتر، تولیدکنندگان چونگی ماندن در بازار رقابتی بدون حمایت دولتی را تجربه کردند.

جالب تر این که تولیدکنندگان محصولات لبنی در سال ۲۰۰۲ و ۲۰۰۳ با خشکسالی سالهای بسیاردی را تجربه کردند ولی آموختند چگونه بدون اتکا به حمایت های دولتی تولید و صنعت را مدیریت کنند. به طور کلی آنها خودشان را با شرایط جدید و کاهش مداخله دولت تطبیق دادند و در حال حاضر فعالیت خود را به تحواحست انجام می دهند.

■ **آینده حمایت از بخش کشاورزی**

حمایت دولتی از تولیدات فرآورده های لبنی تنها یک نمونه از طیف وسیعی از انحراف ها در بازار تجارت محصولات کشاورزی ازطریق حمایت از تولیدکننده به وسیله کشورهای توسعه یافته است.

برنامه های حمایتی از سوی کشورهای قدرتمند جهانی برای برنج، شیر، پنبه، گندم و دیگر محصولات آثار مشابهی برروی تجارت جهانی داشته است و کم و بیش همان تصویری را که برای لبنیات ارائه دادیم نشان می دهد.

به طور کلی ۴۰ درصد از ۷۴۰ میلیاردلار ارزش جهانی محصولات کشاورزی (۲۸۰ میلیاردلار)، حمایت از تولیدکنندگان بخش کشاورزی (PSE) کشورهای عضو OECD در سال ۲۰۰۴ بوده است.

این نشان می دهد هزینه های سنگین حمایت بر عهده خانوارها، شرکت های صادرکننده محصولات کشاورزی و در مقیاس وسیع تر به ضرر کشورهای فقیر است. در اصل، موفقیت جزئی اجلاس هنگ کنگ و وجود پتانسیل برای نتیجه گیری دور دوحه در این سال، به این مفهوم است که زمان برای انجام اصلاحات در کشاورزی کشورهایی نظیر اتحادیه اروپا وآمریکا فراهم شده است و شواهد استرالیا و نیوزیلند نشان می دهد تولیدکنندگان محصولات کشاورزی در کشورهای ثروتمند بدون حمایت ها نیز می توانند موفق باشند و حتی بهتر عمل کنند.

براساس سرشماری سال ۲۰۰۲ وزارت کشاورزی آمریکا، دوسوم تولیدکنندگان از هیچ نوع حمایتی برخوردار نبوده اند و تولیدکنندگان محصولاتی نظیر میوه جات و سبزیجات بدون وجود برنامه های حمایتی برای آنها به تولید خود ادامه می دهند و به عبارتی یارانه های کشاورزی به تولیدکنندگان برنج، پنبه و محصولات لبنی تعلق می گیرد. بنابراین هیچ دلیلی وجودندارد که این تولیدکنندگان که یارانه می گیرند نتوانند بدون کمک ها و حمایت های دولت موفق باشند. نتایج بررسی فوق نشان می دهد برای حضور قوی در بازارهای جهانی محصولات کشاورزی باید حمایتهای گسترده را از سمت مصرف کننده به سمت تولیدکننده هدایت کرد. چرا که با افزایش حمایتها از تولیدکننده بهره وری تولید افزایش پیداکرده و بالطبع موجب کاهش هزینه تولید، کاهش قیمت تمام شده محصول و رضایت مصرف کننده نیز می شود.

تجربه بیشتر کشورهای پیشرفته و درحال توسعه نشان داده است که درباره محصولات کشاورزی اگر حمایت از تولیدکننده با استفاده از ابزار مختلف قیمتی وغیرقیمتی صورت پذیرد، منافع آن منجر به افزایش رفاه اقتصادی کل جامعه می شود.

محصولات دامداری زیر چتر حمایتی

مقاومت در برابر جهانی شدن

در بخش اول این گزارش با نگاهی اجمالی به مذاکرات دور دوحه و حمایت دولت ها از نقش کشاورزی ، دلایل و چارچوب این حمایت ها در قالب توافقات دور دوحه مورد اشاره قرار گرفت و حمایت های اتحادیه اروپا و آمریکا از محصولات لبنی تشریح و عنوان شد که صنعت جهانی لبنیات از بیشترین حمایت های دولتی در سطح جهان برخوردار است. بخش دوم و پایانی این گزارش که پیش روی شماست، به پرداخت های مستقیم آمریکا برای حمایت از صنعت لبنیات و توجیه پذیری حمایت های دولتی از این صنعت در کشورهای توسعه یافته پرداخته است.

■ **پرداخت های مستقیم**

تولیدکنندگان ممکن است پرداخت های مستقیمی را براساس استانداردهای حفاظتی، سطح زیرکشت، مقیاس تولید و یا دیگر معیارها دریافت کنند.

علاوه بر برنامه های بالا که به آنها اشاره شد، ایالات متحده آمریکا به روش های دیگری نیز به تولیدکنندگان محصولات لبنی کمک می کند، به طور مثال پرداخت های فوری هدایت شده در فاصله زمانی ۲۰۰۰-۱۹۹۸ به میزان یک میلیارد دلار از این نوع کمک ها است.

همچنین کمک های دولت در برگزاری جشنواره ها و نمایشگاه های بازاریابی و یارانه های مربوط به بازاریابی با ایجاد حس رقابت در تولیدکنندگان به صنعت لبنی در آمریکا کمک می کند.

ترکیب این سیاست ها موجب می شود که قیمت محصولات لبنی آمریکا در بازارهای جهانی کاهش پیداکند. اما هزینه محصولات برای مصرف کنندگان آمریکایی افزایش می یابد.

برای مثال در سال ۲۰۰۴، قیمت کره در داخل ایالات متحده آمریکا به طور متوسط ۱۲۸ درصد بالاتر از قیمت جهانی آن قرارداشت و در همین سال به طور متوسط هر خانوار آمریکایی ۸۰ دلار بیشتر برای کره وپنیر پرداخت کرده اند. اثرمالی این سیاست ها برروی گروه های مختلف مصرف کنندگان متفاوت است.

برای مثال مصرف کنندگان آمریکای لاتین ساکن در آمریکا مقدار بیشتری ازمحصولات لبنی را مصرف می کنند، درحالی که آفریقایی ها، اسپانیایی ها و آسیایی ها کمتر از میانگین، فرآورده های لبنی مصرف می کنند. علاوه بر این خانوارهایی که دارای فرزند هستند گرایش به مصرف بیشتری دارند.

■ **آیا حمایت دولتی از صنعت لبنیات در کشورهای توسعه یافته توجیه پذیر است؟**

برخی از اقتصاددانان کشاورزی در آمریکا و اتحادیه اروپا اعتقاد دارند که سیاست های حمایتی از بخش کشاورزی از سوی این کشورها موجب انحراف بازار می شود و به همین دلیل از سوی این قدرت های اقتصادی مورداستفاده قرار می گیرد.

مخالفان پرداخت های موردی به تولیدکنندگان اعتقاد دارند که این پرداخت های تضمین شده، علامت هایی را که بازار به طور طبیعی به تولیدکنندگان می دهد قطع می کند.

اگر تولیدکنندگان اتحادیه اروپا و آمریکا نمی توانستند محصولات خود را به دولت بفروشند و زمانی که قیمت ها کاهش پیدامی کرده هیچگونه کمک مالی را از طرف دولت دریافت نمی کردند، طبیعی است که آنها کمتر تولید می کردند.

علاوه بر این، اگر تولیدکنندگان مجبور بودند که محصولات خود را به قیمت جهانی و بدون کمک تعرفه ها بفروشند، درنتیجه می شود تصور کرد که تولید تاحدزیادی کاهش می یافت.

سطوح پائین تولید می تواند به معنی عرضه کمتر در جهان باشد و به عبارت دیگر فضای بیشتری برای کشورهای فقیر فراهم می شود تا محصولات خود را در یک رقابت مستقیم با کشورهای ثروتمند بدون هیچ انحرافی در بازار عرضه کنند.

در عین حال از آنجا که هزینه تولید در کشورهای فقیر به دلیل کاربربودن فناوری ها کمتر است، درنتیجه کالاهای آنها رقابتی تر بوده و در بازارهای جهانی قابل عرضه است.

به طور مثال اوگاندا و اتیوپی در آفریقا تولیدکنندگان عمده شیر هستند. اوگاندا در سال ۲۰۰۳-۴۰۰ هزار تن شیر تولیدکرد و تنها ۳۸ تن آن را صادرکرد. همچنین اتیوپی حدود ۱۴۵۰۰۰۰ هزار تن شیر در سال ۲۰۰۳ تولید کرد، اما اصلاً صادرات نداشته است. این کشورها اگر بخواهند محصولات خود را صادر کنند، باید با صادرکنندگان اتحادیه اروپا و آمریکا رقابت کنند. لذا با توجه به سطح حمایت های این کشورها امکان رقابت وجودندارد.

تولید ناخالص داخلی اوگاندا و اتیوپی به ترتیب ۶/۳ میلیاردلار و ۶/۶ میلیاردلار است. یعنی درحد مبلغی داری کمتر از کل SP ایالات متحده آمریکا برای محصولات لبنی (۱۰/۹ میلیاردلار) و اتحادیه اروپا (۲۲ میلیاردلار) بوده است.

تولیدکنندگان و صادرکنندگان کشورهای فقیر جهیم حمایتی از طرف کشور خود دریافت نمی کنند. علاوه بر این اغلب آنها با زیرساخت های نامناسب روبه رو هستند.

این سؤال مطرح است که یک تولیدکننده لبنیات در کشورهای ثروتمند بدون چنین برنامه های حمایتی می توانند موفق باشند؟ یک بحث عمومی این است که این تولیدکنندگان ممکن بود از چرخه تجارت همگام با نوسانات قیمت ها خارج شوند و یا این که بدون حمایت دولت ها نتوانند رقابت کنند.

اما شواهد و تجارب نیوزیلند و استرالیا حاکی از این است که این کشورها با کاهش حمایتها از تولیدکنندگان محصولات لبنی و دیگر صنایع وابسته به کشاورزی موفق شده اند و این نشان می دهد که تحلیل لزوم حمایت ازسوی کشورهای اروپایی و آمریکا توجیه پذیر نیست.

■ **نیوزیلند**

نیوزیلند ۸۵ درصد از کره و پنیر تولیدی خود را صادر می کند. نیوزیلند یک برنامه وسیع خصوصی سازی (کاهش دخالت دولت) در بخش کشاورزی را در سال ۱۹۸۴ آغاز کرد. این برنامه شامل حذف یارانه و مشوق های صادرات بود. براساس گزارش های OECD، نیوزیلند با جمعیتی در حدود ۴ میلیون نفر در حال حاضر کمتر از ۵ درصد